

بسم الله الرحمن الرحيم تقدیر بذات یا ابتدی بسم الله متعلق حذف اولند غی
کثرة استعمال اجلندند ریایتم چون ریغی هریدن محله مناسب تقدیر اولند غی
بر فعل ذکر اولنوب تخصیص اولند معناه ابتدا ایتم یا ابتدا ایتم یا اول قوم
یا کرورم و یا قوم و یا یرم و یا اجم بسم الله دیگر بسم الله ذکر یا استعانتی چون
اسم یا زاید در یا خود اسم مسما نکر عیندر معناه ابتدا ایتم الله تعالی معانیت
طلب اتمکله دیگر رحمن و رحیم صفت شبهه کر رحمن مستفاد مبالغه چون
الرحمن معنای اول الله که چو چو اصسانرا ید جیدر دنیا و قولنریه مؤمنه
و کافره و سایر صواناته و جمع موجوداته و وجودن و زرقه و جمع کر کلوسنی و تر جیدر
الرحیم ایله الله که چو چو انعامرا ید جیدر اخرتن مؤمنکر و دیگر را کر رحمن من
جمله اللفظ فاصدر که الله دن غیره صفت واقع اولنر جل رحمن دیلمن من جهة المعنی
عامد که مؤمنه یا انسانه مخصوص دکلر را کر رحیم من جهة اللفظ عامد ر جل رحیم
دیلمن من جهة المعنی فاصدر که اخرتن مؤمنکر مخصوص صدر رحمن من جهة اللفظ خاص
اولب الله دن غیره صفت اولد و آجلندند که رحیم مستفاد ازرنه مقدم اولب اکم
ذاته مقارن اولدی **سوال** بوایکه مستفاد ازرنه اختصار اولند غی نیچون **جواب**
انکچون که تکمیل اللفظین و تمیما للوجهین فی الدارین **سوال** مصنف کتاب بنی بسمله
یلد ابتدا اتمکله سبب نه در **جواب** دلیل بود که تا بوجهی شریف گفتند داخل اولیه
که رسول الله صلی الله علیه وسلم بیور شد یکله امردی بال لم ییدر فی بسم الله فوا بتر
معنای به شریف ایشکه بسم الله ایله بشنم اول ایت در نامدر دیدر یا خود بخت
تر کچون یا کتاب عزیزن اقتدا انکچون **سوال** بسمله جمله تعلیه واجبه استعانتی
مصنف کتاب بنی بسمله یله ابتدا ایله جمله تعلیه نه ذکر اتمد نیچون **جواب** انکچون که
مصنف بورده عجز اظهار اید و بترک ایله یکله کال بحر عین حمد و عین تعلیه در نتم که

نته که رسول الله صلی الله علیه وسلم بو معنی اشارت اید و ب بیور شد که لا اقصی ثناء
علیک انت کا اثنت علی نفسک دیدر معنای بود که یارب بن شکر ذاککه لا یق ثناء
ایدر نتم نه که سن شکر ذاککه لا یق ثناء ایدر سکر بلکل که مستفاد که ذاب قاعده لندند
که کتابلرینک اولنده یدر نتم یله ابتدا ایدر لر اوچی بر سبیل و جوب دور دی بر سبیل
استحباب اول اوچی که بر سبیل و جوب بر سبیل جمله تعلیه در بسمله واجبه اولدی هم دلیل
عقله هم دلیل نقله اما دلیل عقلی بود که تا کتب اسلامیه فدق اولنه کتب سایر مللکه که
اهل اسلام اولیه اما نقل بود که شکر منم و اجید منم علی او زرنه اما دلیل رسول هم
بیور شد که کل امردی بال لم ییدر فی بسم الله فوا بتر جمله واجبه اولدی هم دلیل عقله
هم دلیل نقله اما دلیل عقلی بود که شکر منم و اجید منم علی او زرنه اما دلیل نقل بود که
رسول هم کل امردی بال لم ییدر فی بسم الله فوا بتر جمله واجبه اولدی هم دلیل عقله
هم دلیل نقله اما دلیل عقلی بود که شکر منم و اجید منم علی او زرنه اما دلیل نقل بود که
تقدیر نه در بزمه حی تا ار کنند هیچ شکست یو قدر بس بزمه بر وسیله کر کرد که
معارف الهیه و علوم ربانیه جناب فیاضدن اقتدا اید و ب بزمه افاضه ایله اول
وسیله دکلر را لا محمد مصطفی در که انکار یکجهتی وار در بر جهة بحر دی و بر جهة تعلیق جهة
بحر دیله علوم ربانیه فی الب جهة تعلیق یله بزمه افاضه ایدر بس بزمه ده عقلا و اجیدر که
اکا تعلیه ایدر یوز تا که تعلیه بزمه انکار کنند وسیله اول اما دلیل نقل بود که حی
یا ایها الذین امنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما دیو بیور دی امر خود جوب چونرو اما اول
درت که بر سبیل استحباب در اکم کتاب فتن کتاب تعداد فصول تبیین غرضه **سوال** مصنف
بواجبه الاستعانتی ذکر ایتدی جائز الاستعانتی ذکر اتمد نیچون **جواب** انکچون که بو کتاب مختصر
در واجبه او زرنه اختصار اولی در اعلم امر در علم دن عکس لغت معنای وار اصطلاح معنای
وار لغت بلکدر اصطلاح العلم صفة توجب تمیزه بین الاشیاء ولا یجمل النقیض در معنای

فعل و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 فعل و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 سلیمان حرفی در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 اول اول و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 انفعال آخر و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 ین عین و لام اول و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 اول و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 در جمع مؤنث اول و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 جمع مؤنث مخاطبه اول و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 عین الفعل بدفع حرف قلب اول و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 اول و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 وزن و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 او وزن قیاس ایل و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 مجز و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 اول و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 ماضی مفرد مذکر غایب و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 بر غایب ارکشی بکرم کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 افعال بویانه افعال یاء و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین
 فیر و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین در و کذا و ذلک و غیره در وزن تنصین